

یادداشت

سلاح مقاومت و چشم‌انداز آینده

اگرچه به نظر می‌رسد گروه‌های مقاومت در یک اقدام سیاسی با ادغام در ساختار نظامی دولت عراق موافقت داشته باشند، دولت لزوماً تا قبل از خروج نیروهای ائتلاف قادر به خلع سلاح یا کنترل سلاح آنان نخواهد بود؛ زیرا میان محدودیت‌هایی که قانون اعمال می‌کند با زمان اجرای قانون، فاصله وجود خواهد داشت. پیش‌بینی‌های لازم: اگر سازوکار توافق‌شده‌ای برای ادغام نیروهای مقاومت عراق، مانند چگونگی سازماندهی، نظام حقوقی و مالی و نحوه اعمال تصمیم‌گیری‌های نظامی آنان، صورت نگرفته باشد، فوراً در چنین وضعیتی اوضاع پیچیده‌تر خواهد شد. خروج آمریکایی: خروج آمریکا از عراق ممکن است سیاستی از سوی دولت برای تسریع در کنترل سلاح باشد، درحالی‌که شرایط جنگی در منطقه همچنان گروه‌های مقاومت را ناچار به حفظ سلاح خواهد کرد. با این حال، به نظر می‌رسد خروج نیروهای آمریکایی از عراق منجر به کاهش سطح تهدید و خطرات و خطرات ناشی از آن باشد. ممکن است نیروهای مقاومت با گفتمان جدیدتری، با این مضمون که حفظ سلاح برای محافظت از عراق، ندای مقابله با تهدیدهای اسرائیل یا حتی تهدیدهای برون مرزی آمریکا در منطقه و خارج مرزهای عراق ضروری است، به میدان برگردند. به این ترتیب، به نظر می‌رسد دولت عراق راه درازی برای کنترل سلاح مقاومت و اعمال مصوبات خود در حوزه‌های امنیتی و نظامی پیش‌رو داشته باشد. همین پیچیدگی اوضاع را در لبنان نیز می‌توان مشاهده کرد. اسرائیل خروج خود از لبنان را منوط به خلع سلاح حزب‌الله و اعمال حاکمیت دولت لبنان بر جنوب این کشور عنوان کرده است. دولت لبنان نیز همچون دولت عراق، تحت فشار فزاینده خارجی و نیز برخی جریان‌های داخلی برای اعمال حاکمیت خویش و تقویت نقش ارتش و کنترل سلاح حزب‌الله روبه‌روست. با برگزاری بیش از هفت دور مذاکره سه‌جانبه میان آمریکا، اسرائیل و دولت لبنان، در ۲۶ ژوئن ۲۰۲۴، در واشینگتن سندی تحت عنوان توافق برای این چارچوب امضا شده که در آن مسئله ایجاد مناطق آزمایشی پیش‌بینی شده است. این امر در واقع گامی برای سنجش توانایی دولت لبنان در اعمال حاکمیت بوده و هسته اصلی ترتیبات امنیتی محسوب می‌شود. بر اساس توافق چارچوب، ارتش لبنان پس از تأیید خلع سلاح از سوی گروه‌های مسلح غیردولتی و برجیدن زیرساخت آنها، مسئولیت کامل و مؤثر امنیتی در مناطق مورد توافق دوطرفه خواهد بود. در عین حال، در مقابل نیروهای اسرائیلی، عملیات‌های جابه‌جایی و بازاریش مرحله‌ای را به‌صورت مشروط انجام خواهد داد. از نظر اسرائیل، این فرایند تدریجی است و جدول زمان‌بندی از پیش تعیین‌شده ندارد و مرجع تشخیص آن هم خود اسرائیل است. پس از توقف مذاکرات در چهارم اگوست در رم، حتی تخلیه مناطق آزمایشی نیز پیشرفت ملموسی نداشته و مناطق جدیدی نیز برای این نقل و انتقال شناسایی و معرفی نشده است. به عبارت دقیق‌تر، دولت لبنان تاکنون بر اساس چارچوب توافق دستاوردی نداشته و اسرائیل بر اساس این شیوه، حضور نظامی خود را در جنوب لبنان استمرار داده است. اما سریعاً توافق در این چارچوب را رد کرده و آن را نامشروع و ذلت‌بار می‌داند. حزب‌الله خود را ملزم به اجرای توافقی که در آن مشارکت ندارد نمی‌داند و اساساً معادله خلع سلاح در مقابل عقب‌نشینی را با توجه به شناختی که از رژیم اسرائیل دارد، درست نمی‌داند. به نظر می‌رسد موضوع اجرای توافق در لبنان، در این چارچوب هم، نظیر کنترل تسلیحات گروه‌های مقاومت در عراق، با کندی و اختلالات گوناگون روبه‌روست و هر لحظه‌ای امکان برگشت به افزایش تنش بین طرفین وجود دارد. در غزه نیز خلع سلاح حماس با همان دشواری‌های گروه‌های مقاومت مواجه است. حماس پذیرش خلع سلاح خود را منوط به خروج کامل اسرائیل از نوار غزه می‌داند و در مقابل، اسرائیل هم عقب‌نشینی خود از غزه را موقوف به خلع سلاح کامل حماس کرده است. حماس با شورای صلح غزه و سایر میانجی‌ها بر سر یک جدول زمانی برای خلع سلاح توافق کرده است. این توافق‌نامه شامل ۱۵ ماده است و نقشه راهی برای مرحله بعدی در نوار غزه را ارائه می‌دهد. این توافق‌نامه همچنین نوعی طرح اجرایی برای طرح صلح ترامپ محسوب می‌شود. جالب است در این باره، اسرائیل با اصل این توافق مخالف است و تأکید می‌کند آن را اجرا نخواهد کرد. توافق ۱۵ماده‌ای بر موضوع انبارکردن سلاح‌های حماس، نه انهدام و نیز تحویل آن به کمیته تکنوکرات فلسطینی برای اداره غزه اشاره دارد. خلع سلاح حماس و خروج اسرائیل از غزه یک فرایند موازی و مبتنی بر توافق عملیات نظامی ایجاد می‌کند.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

افقی:

۱- باستانی- سانسور- باغ حضرت فاطمه(س)
۲- بله روسی- فقر و تنگدستی- یونی که بار الکتریکی مثبت دارد ۳- ثابت و قطعی‌شده- از خوشنویسان صاحب نام سده یازده هجری در ایران و هند- برای خدا شریک قائل است ۴- غرامت- امانداران- رایحه ۵- همگانی- شهر رصدخانه- دستخوش تغییر ۶- از انواع عکاسی برجسب موضوع و محتوا- شالوده- سلسله کریم‌خان ۷- آتش- آچار لوله‌کشی- ماکت ۸- سمت چپ- تصویر چاپ‌شده- واحد شمارش ۹- گل زیبای بهاری- اثری به قلم شاتو بریان فرانسوی- زمینه ۱۰- از حیوانات- از زوایای دایره- به نرمی رفتارکردن ۱۱- نکند که- مذهب بومی ژاپن- بردباری ۱۲- زیباترین جلوه آفرینش- ابزارها، ادوات- زبردست ۱۳- تیرانداز- دستگاه اندازه‌گیری مقدار انرژی مصرف‌شده- آب مناسب استحمام ۱۴- مستحق- اجر- نیم‌صدای درازگوش ۱۵- حرکت عضلانی سریع و غیرارادی- یکجا و کامل- سزاوار نفرین عمودی:

۱- گام- خشمگین- تمرین ۲- انیمیشنی موفق و پربیننده به کارگردانی جان ستر ۳- مسجد بزرگ شهر- نگارش- اغوز ۴- سرشار- رفتن به مکان مقدس- سبکوی شیρχه ۵- سوره سی‌وششم قرآن- اثر تربیتی ژان ژاک روسو- از جهات اربعه- صدمه ۶- هر گوشه زمین فوتبال- شهری در استان زنجان- کرامی، بزرگوار ۷- خلق‌وخو- باقی‌گذاشتن- به قتل رساندن ۸- از انجیل‌های معتبر- از مراحل مهم چرخه تولید سوخت هسته‌ای- جاق و فربه ۹- زیرک- موقر- واحد اندازه‌گیری توان الکتریکی ۱۰- از امراض فصل

جواد مجابی، نویسنده و روشنفکر مطرح معاصر درگذشت

زندگی و مرگ در وطن

شادخوبی و تاریخ‌نگری جواد مجابی

شرق: جواد مجابی از چهره‌های چندوجهی فرهنگ، ادبیات و هنر ایران بود که مانند بسیاری دیگر از نویسندگان و هنرمندانی که در دهه چهل به عرصه آمدند، در سال‌های حیاتش در عرصه‌های مختلف هنری و ادبی سرک کشید و در آثار و فعالیت‌های مختلفش تصویری از زمانه‌ای که در آن زیست به دست داد. مجابی در سال ۱۳۱۸ در قزوین متولد شد و در بیست‌وپنج‌سالگی اولین دفتر شعرش را منتشر کرد. او بیش از شش دهه در فضای فرهنگی و ادبی ایران حضور داشت و به عنوان شاعر، داستان‌نویس، روزنامه‌نگار، نقاش، منتقد ادبی و هنری و طنزپرداز شناخته می‌شود.

دهه چهل در فضای فرهنگی و سیاسی ایران دوره ویژه‌ای است و اغلب شاعران و نویسندگان و هنرمندانی که در این دهه شروع به فعالیت کردند، خود را محدود به قلمرویی خاص نمی‌دانستند و در پی پیوند با پستر اجتماعی و سیاسی پیرامون‌شان بودند. مجابی سال‌ها پیش در گفت‌وگویی با «شرق» گفته بود که با نگاه به روزگار سپری‌شده‌اش، تصویری نیمه‌رمانتیک از خود دارد که از بیست‌وپنج‌سالگی کار نوشتن را با شعر شروع کرده و پس از آن همواره با نظم و ترتیب در راه نامهوری حرکت کرده که ابتدایش خواندن و نوشتن بوده و انتهایش هم نوشتن و خواندن خواهد بود: «این راه را چشم‌گوش بسته طی نکردم و یکسره خودم را به عالم عواطف و احساسات نسپردم، بلکه در یک جاده بی‌انتها زندگی کرده‌ام، بسیار فضاها و چشم‌اندازها را نوشته‌ام، خوانده‌ام و دیده‌ام. در جوانی اوباشی و قلندری کرده‌ام، بعد ازدواج کرده‌ام، در شادی‌های کشور سهمی داشته‌ام، در سوگ عزیزان غمگین بوده‌ام، از تپه‌های ریزک روان که بی‌ثبات بوده‌اند بالا رفتم، در کرده حیران سقوط کرده‌ام، بارها مرگ را در زندگی آزموده‌ام و هیچ‌گاه از شادخوبی و رندی دست نکشیده‌ام و در عین یک زندگی پرشور و شر و عاطفی نوعی عقلانیت هم در من بوده که به من می‌گفته این راه که می‌روی تنها راه نیست، بلکه راه‌های دیگری هم برای زندگی‌کردن وجود دارد و من به آن راه‌ها هم اندیشیده‌ام، برای منی است که اصطلاح نیمه‌رمانتیک را در مورد خودم به کار می‌برم. درواقع روحیه طنزاندیش من کمکم کرده که فکر نکنم تنها راهی که باید ادامه بدهم همین راهی است که در آن هستم. گاهی به راه‌های دیگر هم رفته‌ام، مثلاً خواسته‌ام قاضی یا اقتصاددان بشوم ولی دوباره به راه اصلی که خواندن و نوشتن بوده بازگشته‌ام و این راه تا حالا ادامه داشته و الان دیگر فکر می‌کنم بعد از این هم ادامه خواهد داشت. اما آنچه اهمیت دارد این است که سعی کردم از آغاز، یعنی از بیست‌وپنج‌سالگی که اولین مجموعه شعرم را منتشر کردم، تا الان همواره با یک نظم و ترتیب خاصی زندگی کنم». منظور مجابی از نظم و ترتیب، یک نظم و ترتیب درونی است. امروز که به کارنامه به‌جامانده از او نگاه می‌کنیم، شاید روند فعالیت‌های او نامنظم و پراکنده به نظر برسد، همچون کارنامه کسی که از این شاخه به آن شاخه پریده: شعر گفته، رمان و داستان کوتاه نوشته، مقاله و یادداشت نوشته، برای کودکان قصه نوشته، فیلم‌نامه و نمایش‌نامه نوشته، نقاشی کرده و در یک دوره هم روزنامه‌نگاری کرده. اما او خود درباره نظم موجود در این بی‌نظمی ظاهری گفته بود: «این بی‌نظمی بیرونی و ظاهری تابع یک نظم ذهنی درونی بوده که از وقتی نوشتن را به‌طور جدی شروع کردم، در من بود و هیچ‌گاه هم از بین نرفت. منظورم از این نظم، اندیشیدن درباره جهان و نوشتن از آن است؛ چون نوشتن یک سیستم است؛ یک سیستم ذهنی که شما به‌عنوان شاعر و نویسنده، اگر در کارتان جدی باشید، در آن حرکت می‌کنید و به آن وفادار می‌مانید».

مجابی معتقد بود که نوشتن صرفاً یک کار ادبی نیست، بلکه نویسنده با نوشتن و انتشار آثارش وارد یک نظام فکری

می‌شود و این نظام فکری شکلی از ارتباط‌گیری با مردم است. اگرچه سانسور و عدم انتشار منظم آثار یک نویسنده یا شاعر این ارتباط را مختل می‌کند، اما با این حال مجابی به عنوان یک نویسنده و شاعر به‌واسطه این نظام فکری به سراغ انواع گوناگونی از ارتباط با مردم رفته بود و این ارتباطات را به‌رغم آنکه شکل ظاهری‌شان با هم فرق می‌کند، اجزایی از یک مجموع نظام اندیشگی و عاطفی مشخص می‌دانست که «بیشه‌اش از خلایق و شاخه‌هایش در ارتباط‌گیری با جامعه است».

مجابی مثل بسیاری دیگر از هم‌سلانش روزگار پرفرازونشیی را سپری کرد و در دوره پایانی عمرش که همراه با بیماری هم بود، جامعه پیرامونش با روزگار دشوارتری روبه‌رو بود، با این حال او هیچ‌گاه ناامید و افسرده نشد و تا واپسین روزهای عمرش هم به فعالیت پرداخت. نمایشگاه نقاشی‌های مجابی با نام «شب‌های سفید بیمارستان و من» حاصل همین ایام بیماری و بستری‌شدن او در بیمارستان بود و این نشان می‌داد که او در هر وضعیتی می‌خواهد سریا بماند و کار کند.

با وجود تجربه‌های تلخ و روزهای تیره‌ای که مجابی در دوره‌های مختلفی از زندگی‌اش پشت سر گذاشت، با این حال او همواره با نوعی از امید زندگی کرد. او در مقدمه گزیده اشعارش نوشته بود که به‌رغم همه تلخی‌هایی که دیده انسان شادخوبی است. این شادخوبی نه‌فقط در مجابی طنزپرداز، بلکه در مجابی شاعر و داستان‌نویس هم دیده می‌شود. او در گفت‌وگویی با «شرق» درباره این خلصت درونی‌اش گفته بود: «تقریباً همه شاعران و نویسندگان خوبی که من دیدم از طنز بهره داشتند. حالا بعضی از آنها این طنز را در آثارشان انعکاس می‌دادند و بعضی نه. اما هیچ‌کدام‌شان آدم‌های عبوس، جزمی، خودخواه و خودمحوری نبودند. ولی باید بگویم در بعضی‌ها شادخوبی غلبه‌تر است و خود من جزو این دسته هستم که یک‌مقدارش مربوط می‌شود به اینکه من با طنز آشنا هستم و یک‌مقدارش هم ژنتیکی است. من متعلق به خاندانی هستم که بین‌شان شوخی و لودگی یک امر روزمره بوده. حالا البته کوشش زیادی می‌خواهد که شما آن لودگی و هجو و شوخی‌های معمولی را به یک نوع نقد اجتماعی شوخیانه نسبت به هستی تبدیل کنید».

شعرهای مجابی حتی آن دسته از اشعارش که فضایی تیره و تلخ دارند با رگه‌هایی از این شادخوبی همراه هستند و این ویژگی البته در داستان‌های او بیشتر به چشم می‌آید.

وجه دیگری از آثار مجابی، نگاه او به تاریخ و مسئله قدرت است. او گفته بود که مثلاً به تاریخ‌نگری است و نمی‌تواند هیچ مسئله‌ای را بدون درنظرگرفتن پیشینه و تاریخ پشت سرش در نظر بیاورد. این ویژگی باعث می‌شد او بر موقعیت‌های مختلف به این فکر کند که اگر کسانی چون نیما یا هدایت اکنون حضور داشتند چه می‌کردند. او در گفت‌ووبش با «شرق» گفته بود که توجه به تاریخ سبب می‌شود ایران نیز از همین منظر برایش معنا پیدا کند: «تصمیم‌های مستقل خودم را دارم ولی درعین‌حال تاریخ همواره برایم به‌عنوان یک راهنمای عقلانی و عاطفی مطرح است. در واقع تلقی و تعریف من از مملکت هم بر همین اساس است. من شوونیست و ایران‌پرست نیستم، همان‌طورکه ادبیات‌پرست هم نیستم. معتقدم کسانی که بهترین آثار فکری و خیالی را پدید آورده‌اند به ایران معنا داده‌اند. یعنی ایران برای من تنها نقشه جغرافی نیست و این را داشته باشد. البته ترجیح می‌دهم همیشه در اینجا زندگی کنم و آن مفهوم گسترده و عمیق وطن را که ناشی از تاریخ و فرهنگ است در درون وطن داشته باشم. این مفهومی که از وطن متصورم تقریباً جزو جزمیت‌های ذهنی من است. اگرچه



عکس: عباس عسکری شرق

شعرهایی منتشر نشده از جواد مجابی

و به پایانش نمی‌رسم. چراکه برای زندگی پایانی مقدر نبود.

۸۷ زمستان به بوی کل تازه ماندیم و حیرت‌زده از شگفتی‌هایش.

این‌جا دریا ندارد اما منظره تابستانی دریای ماتیس واقعیتی برتر است.

بعدازظهری پاریسی.

شعرهایی که در آن کافه‌ها خواندیم استخوان‌بندی رؤیا را استوارتر می‌دارد.

این وطن، عاقبت میهن ما هم شد.

صدای من از ساحل می‌آید در گوشه‌های مفقود موسیقی مردمی

بیمارخانه با ناخوش‌احوالان گردگردش نمی‌تواند از شکوه بیشه‌زار تابستانی کم کند

اما برای خود لازم دارد مرا

زندگی خوشی است، عیش مدام

بیمار که شدی ناخوش‌احوال گشته‌ای

این تو نیستی، حالات توست.

ناخوش‌احوالان بیمارخانه حصارِی زشت گرداگرد

حادثه بسته‌اند

جهان به مراد دل خوردیم و کامگار گذشتیم

لقمه جهان از دهان گنده‌تر بود

نبوده‌ایم

آن‌جا ما تنها نبوده‌ایم، شب‌ها گواه هیاهوی

کافه‌هاست

هیاهویی شدید تا برسد به کافه و شب و دریا و جنگل

ماتیس شاید به این رمزینه اشارت دارد

از من و ما جز نامی نمی‌ماند و نام‌ها روی مرمر و

خارا چندان درنگ نمی‌کند

هزاران شدید تا هستی شویم، مردم شدید

هنری و یابلو در منظره روبه‌روی باغچه

باید دوباره برگردم به آنچه بوده‌ام

کودکی که حیران بازی‌های جهان پیرامون است

جز بازی نبود آیین و شعر و جادو

این بازی ما را با خود به هر کجا کشاند.

جهاننا فوسوی و بازی و رؤیا که تعبیر خاصی ندارد.

* چهارشنبه‌روزی از بالکن بلوک ۳

خبره‌ام از جام روشن تماشا

در تاریک‌جای شاخه‌های پیچ‌پیچ درونت آورنده‌ا

دنده‌های خشک پیر

در این اندوه شادی گذران که زمان ستم‌پیشه

دمی به تامل ایستاده سرگران

به جست‌وجوی پرنده‌های زیبای خوشخوان شگرف

که پرواز می‌کردند در آوازشان

و در ما به روزهای آفتابی، توفانی در این همه

زمستان تهران

اضطراب جهان را در توفان زمستان رنگ کوی

نویسندگان از سر گذرانندیم

سرتیزنم

سرو خرامان

شعر همیشه ایران

از غزل‌های مشتاقی و فراقی سعدی تا

ترانه‌های شگول کودکان

باید که همچنان شکوفا بمانی برای نامدگان و

آیندگان

* گوشه‌ای از بیشه‌زار ساحلی ماتیس، اینک تهران

سرو و سپیدار و ناز و باغ بیکران خود را می‌آریند.

گوشه‌ای از بیشه‌زار ساحلی ماتیس، اینک تهران

نه فرشته جانستان نه عفرتی‌های گورزاد یا سالار

قلمرو مردگان

آن‌چه از من جان همی ستاند

صنمی است

رقصان در هوای اردیبهشتی غرب تهران

بیشه‌زار ساحلی ماتیس از پنجره پیدا شد.

می‌خواندم که با ما بیا، در دل سپیدار و سرو و ساحل

دریا

می‌گویدم من تکه‌ای مینیاتور ایرانی هستم که در

اتاق هنری الهام‌بخش بود

صنم در نرمای ابریشمین زلف‌کاننش در گرمای

عاشقانه‌اش

به خط و رنگ بیبوندی اگر...

نکند این همان بهاری باشد که آغازش نیستم

که به نحوی به فرهنگ مردم مربوط می‌شود. مفهوم وطن برای من مجموعه‌ای از اینهاست. من با این حرف موافقم که وطن‌دوست‌بودن لزوماً در وطن ماندن نیست، بلکه زبان، وطن دوم آدمیزاد است و آدم می‌تواند همه‌جا خانه خودش را داشته باشد. البته ترجیح می‌دهم همیشه در اینجا زندگی کنم و آن مفهوم گسترده و عمیق وطن را که ناشی از تاریخ و فرهنگ است در درون وطن داشته باشم. این مفهومی که از وطن متصورم تقریباً جزو جزمیت‌های ذهنی من است. اگرچه

با هر نوع جزمیتی مخالفم و به‌خاطر بینش طنزآلودی که دارم تقریباً به همه چیز می‌خندم اما آنچه نمی‌توانم از آن عدول کنم این مفهوم از وطن است، چون فکر می‌کنم چطور ممکن است آدمیزاد در این دوره زندگی کند و آواز شجریان، ساز صبا، فیلم‌های کیارستمی و نوشته‌های هدایت و دهخدا را دوست نداشته باشد. این آثار، زندگی را غنی می‌کنند و اگر کسی با آنها برخورد نکرده باشد، زندگی‌اش به نظر من ناقص مانده است».

جدول ۵۳۹۹ :طراح: بیژن گورانی

۷	۲	۹			
۴	۳	۱			
			۷		
۶					
				۸	۹
	۴		۶		۳
					۵
					۱
		۲	۳		
۸	۶			۷	۱
۴				۹	

سودوکو سخت ۴۳۹۵

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ساده ۴۳۹۵

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌های بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو ۴۳۹۴

۴	۹	۱	۶	۵	۳	۲	۸	۷
۶	۲	۷	۹	۱	۸	۴	۳	۵
۳	۸	۵	۷	۴	۹	۱	۶	۲
۱	۳	۲	۵	۷	۶	۹	۸	۴
۷	۶	۸	۳	۹	۴	۱	۵	۲
۵	۴	۹	۸	۲	۱	۶	۷	۳
۸	۱	۶	۲	۳	۵	۷	۴	۹
۲	۵	۳	۴	۸	۹	۷	۱	۶
۹	۷	۴	۱	۶	۵	۳	۲	۸

۶	۱	۸	۵	۲	۴	۷	۳	۹
۳	۲	۵	۹	۶	۷	۴	۸	۱
۹	۴	۷	۸	۱	۳	۵	۲	۶
۵	۷	۱	۴	۸	۶	۳	۹	۲
۸	۹	۲	۱	۳	۵	۶	۷	۴
۴	۳	۶	۷	۹	۲	۸	۱	۵
۷	۵	۲	۴	۸	۱	۶	۳	۹
۱	۸	۳	۶	۵	۹	۲	۴	۷
۲	۶	۴	۳	۷	۱	۹	۵	۸

حل جدول ۵۳۹۸

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	پ	ا	ب	ج	د	ه	ز	س	ش	ط	ث	ی	ک	خ
۲	ا	ی	ل	ح	ص	خ	ز	س	ش	ط	ث	ی	ک	خ
۳	د	ه	ز	س	ش	ط	ث	ی	ک	خ	پ	ا	ب	ج
۴	د	ه	ز	س	ش	ط	ث	ی	ک	خ	پ	ا	ب	ج
۵	ا	ب	ج	د	ه	ز	س	ش	ط	ث	ی	ک	خ	پ
۶	ت	ث	ی	ک	خ	پ	ا	ب	ج	د	ه	ز	س	ش
۷	ا	ب	ج	د	ه	ز	س	ش	ط	ث	ی	ک	خ	پ
۸	ر	ی	س	خ	ل	ک	د	و	ب	پ	ا	ب	ج	د
۹	ک	خ	پ	ا	ب	ج	د	ه	ز	س	ش	ط	ث	ی
۱۰	ن	ا	ک	ا	ب	ج	د	ه	ز	س	ش	ط	ث	ی
۱۱	ج	ن	و	ن	ا	ک	ا	ب	ج	د	ه	ز	س	ش
۱۲	ن	ا	ک	ا	ب	ج	د	ه	ز	س	ش	ط	ث	ی
۱۳	ا	ب	ج	د	ه	ز	س	ش	ط	ث	ی	ک	خ	پ
۱۴	م	ت	ی	ا	د	ک	ی	ر	ی	ا	د	ک	ی	ر
۱۵	ا	ه	ز	و	ن	ر	و	ب	ی	ک	ت	ر	ه	ز